

بررسی عملکرد دولت در چهار سال گذشته

## خاتمی نتوانست، نخواست، کوتاه آمد یا گذاشتند؟

نمازهای جمعه، صدا و سیما، منابر و مطبوعات وابسته به مخالفان آقای خاتمی تکرار می شود. موافقان و حامیان آقای خاتمی نه تنها این انتقادات را منصفانه و منطبق با واقعیت نمی دانند، بلکه ادعا می کنند عملکرد دولت آقای خاتمی چهره واقعی تری از اسلام و یک حکومت اسلامی مردم سالار را در داخل و خارج، در معرض نگاه عموم قرار داده است. این موافقان که فقط از طریق نشریات وابسته به خود قادر به پیام رسانی

عمر چهار ساله اول ریاست جمهوری سید محمد خاتمی - که انتخاب او در دوم خرداد ۱۳۷۶ نقطه عطفی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود - در شرف پایان است. با نزدیک شدن روز انتخابات بعدی ریاست جمهوری - هیجدهم خرداد سال جاری - دآوری ها در مورد میزان موفقیت و ناکامی های این رییس جمهور و دولت وی جدی تر و گسترده تر می شود. این دآوری ها را در سه گروه کلی می توان تقسیم بندی کرد: به این شرح:

- دآوری های سیاسی (که لامحاله جانبدارانه است - له یا علیه دولت خاتمی)  
- دآوری افواهی و عمومی (که ناشی از آرزوها و تمایلات توده های مردم است)  
- دآوری های علمی و بی طرفانه (که از سوی نخبگان، فرهیختگان و سیاست شناسان انجام می شود)

۱- در دآوری های سیاسی، مخالفان چه به صراحت و چه در لفافه، آقای خاتمی و دولت او را متهم به ناتوانی (مخصوصاً در عرصه اقتصاد و فرهنگ) می کنند و بحران بی کاری، کاهش قدرت خرید مردم، عدم امنیت اقتصادی، تعطیل کارخانه ها و رکود اقتصادی را معلول بی توجهی و عدم کفایت دولت می دانند. گروهی از مخالفان علاوه بر این ایراد، سیاست های دولت آقای خاتمی در عرصه فرهنگ را زمینه ساز رواج فساد، بی بند و باری، اباحه گری، تشکیک و حتی توهین نسبت به مبانی دینی، رشد تمایلات سکولاریستی و ... ذکر می کنند. این انتقادها بی وقفه از تریبون های



می کنند که بحران های سیاسی بیایی که از سوی مخالفان ساخته و پرداخته می شد، مانع توجه دولت آقای خاتمی به مسائل اقتصادی شده است. این مدافعان به طرز حیرت آوری از کنار مقوله ای به نام ساختار اقتصادی ایران، می گذرند و اشاره نمی کنند که اگر بحران های سیاسی مورد اشاره آنها نیز حادث نمی شد، دولت آقای خاتمی بدون تغییر ساختار اقتصادی ایران، قادر به انجام کارهایی بنیادی نبود.

۲- دآوری های افواهی از انگیزه ها و تمایلات متفاوتی متأثر است. مثلاً در میان قشر جوان، دانشجویان که نقشی اساسی در موفقیت های گروه موسوم به اصلاح طلبان (حامیان آقای خاتمی) داشته اند، دلایلی برای دفاع یا انتقاد از عملکرد دولت آقای خاتمی دارند که با دلایل سایر گروه های واقع در سنین جوانی، متفاوت است.

ده ها دانشجویی که در یک نظرخواهی از طرف گزارش مورد پرسش قرار گرفتند، دو نظر متضاد در زمینه عملکرد دولت آقای خاتمی ابراز کردند: به این شرح: الف- آقای خاتمی در مواقع بحرانی کوتاه آمد و فرصت های مفتنمی را از دست داد و ب: دست و پای آقای خاتمی را بستند، جلوی او موانع بلندی ایجاد کردند، بحران آفریدند و نگذاشتند اصلاحاتی را که وعده داده بود، به اجرا بگذارند.

در بین سایر گروه های جوانسال کشور نیز همین دو نظریه متضاد، منتهی از منظر اشتغال، ازدواج، وسایل و امکانات تفریحی و سرگرمی، امید به آینده و به طور کلی مسائل معیشتی و رفاهی

**باید توجه داشت خاتمی علاوه بر بحران هایی که از سوی مخالفانش ایجاد می شد از افراط و تفریط برخی افراد و گروه های هوادار خویش نیز آسیب می دید**

مستند، همچنین معتقدند عملکرد دولت آقای خاتمی باعث خروج جمهوری اسلامی ایران از انزوای بین المللی و کسب وجهت جهانی برای ایران شده است. البته آنان در زمینه مسائل اقتصادی کمتر به مدافعه از موفقیت های فرضی می پردازند و برای توجیه شرایط اقتصادی فعلی چنین استدلال

بین این گروه‌ها را موجب شد (۱) آن زمان، نفوذ و اکثریت داشتن جناح موسوم به راست در قوه مقننه (مجلس پنجم) و قوه قضاییه مسجل بود. تنها در رأس قوه مجریه مشخصی قرار داشت که می‌توانست مانع انحصار قدرت در بد جناح راست شود. این شخص آقای هاشمی رفسنجانی بود که واپسین ماه‌های دور دوم ریاست جمهوری خود را طی می‌کرد. آقای هاشمی پدر معنوی تکنوکرات‌ها نیز محسوب می‌شد و کسی نیست که نداند حمایت ایشان از تکنوکرات‌ها، که بعداً به کارگزاران سازندگی اشتباه یافتند، موجب بالندگی آنها، بویژه در عرصه‌های اقتصادی می‌شد.

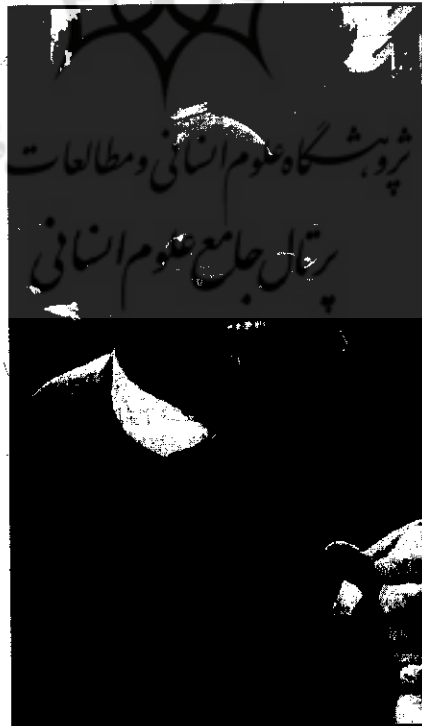
بدین ترتیب، اگر کاندیدای جناح راست (آقای ناطق نوری) در دوم خرداد ۱۳۷۶ پیروز می‌شد و در رأس قوه مجریه قرار می‌گرفت، تمامی اهرم‌های قدرت به انحصار جناح راست در می‌آمد که در این صورت، مواضع و منافع تمامی گروه‌های رقیب، از جمله کارگزاران، به خطر می‌افتاد. همین خطر بود که جناح‌های سیاسی گوناگونی را که دارای گرایش‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت و در مواردی متضاد بودند، دور هم جمع کرد و سبب شد آن‌ها تمامی نیروها و امکانات خود را برای پیروزی یک نامزد مشترک سرمایه‌گذاری کنند. قرعه این کاندیداتوری نیز به نام سید محمد خاتمی که علاوه بر سابقه اجرایی (سرپرستی مؤسسه کیهان، وزارت ارشاد و ...) نگاهی فرهنگی داشت، اصابت کرد. در ماه‌های پیش از برگزاری آن انتخابات، درحالی که طرفداران آقای ناطق نوری به دلایل مختلفی که از نظر خودشان منطقی می‌نمود، پیروزی وی را قطعی می‌دانستند، طیف‌های مقابل برنامه‌ریزی تبلیغاتی کارشناسانه و وسیعی را برای پیروزی آقای سید محمد خاتمی آغاز کردند و به اجرا گذاشتند. این برنامه‌ریزی که مبتنی بر تمایلات، نیازها و آرزوهای مردم و بویژه نسل جوان بود بسیار ماهرانه هم به اجرا درآمد و نتیجه‌ای غیرمنتظره - حتی برای طراحان آن - به بار آورد و آقای خاتمی را رییس جمهور ایران کرد. در جریان آن مبارزات انتخاباتی، آمیزه‌ای از قدرت مالی و برنامه‌ریزی کارگزاران، نفوذ معنوی و قدرت مانور مجمع روحانیون مبارز که از پشتوانه حمایت دفتر تحکیم وحدت (انجمن‌های اسلامی دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور) و تعدادی تشکل سیاسی - اجتماعی قدرتمند نیز برخوردار بود و بالاخره شکرده آفرینی‌های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به کار گرفته شد تا جایگاه ویژه‌ای

نخواست حتی یک قدم در راه اصلاح ساختار اقتصاد ایران که اولاً به شدت متمرکز و دولتی است، ثانیاً به شدت در کنترل گروه‌های رانت‌خوار است و ثالثاً بیش از تولید به تجارت، واسطه‌گری و سفته‌بازی گرایش دارد، بردارد.

کارشناسان سیاسی نیز به نوبه خود سکوت، مدارا و مامشات آقای خاتمی را در مواقعی که اجرای قوانین کشور و جلوگیری از نقض قوانین، به ویژه اصول قانون اساسی نیاز به قاطعیت داشت، از دلایل ناکامی‌های دولت ایشان در اصلاحات سیاسی و فرهنگی ارزیابی می‌کنند (نمونه‌ای از این نوع ارزیابی در مقاله‌ای به قلم آقای دکتر انور خامه‌ای در همین شماره مجله چاپ شده است).

### واقعیت چیست؟

اگر قرار بر نقدی عادلانه و علمی از عملکرد دولت آقای خاتمی باشد، باید قبل از هر چیز شرایطی که سبب انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری - آن هم با رأی بالای - شد، مورد توجه قرار گیرد. پیروزی‌های جناح موسوم به راست در سال‌های قبل از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و شرایطی که برای دیگر گروه‌های سیاسی درون حاکمیت پیش آمده بود، اتحاد و ائتلاف بی‌سابقه‌ای



خاتمی پس از اعلام نتایج انتخابات دوم خرداد ۷۶... او از رانی که مردم به برنامه‌هایش داده بودند شادمان است.

وجود دارد. گروهی از جوانان، بی آن که قادر به ارائه دلیل علمی باشند، اعتقاد دارند مخالفان دولت خاتمی با مانع تراشی و سنگ اندازی نگذاشتند این دولت برای رفع مشکلات جوانان کاری انجام دهد. در نقطه مقابل، گروهی دیگر به این باور رسیده‌اند که زائد دولت آقای خاتمی برای جوانان فقط شعار تولید کرده است.

همین دو نظریه متضاد در بین سایر گروه‌های سنی، با موقعیت‌های اجتماعی متفاوت و مشاغل گوناگون، نیز وجود دارد. ابزار و امکانات آمارگیری واقعی، که براساس آن بتوان درصد دقیق دارندگان این دو نظریه متضاد را تعیین کرد، در اختیار نشریه‌ای با توان و امکانات گزارش نیست. اما اگر قرار باشد نظرسنجی همکاران ماهنامه را ملاک قرار دهیم، دارندگان هر کدام از این دو باور، پنجاه درصد از پرسشگران را تشکیل می‌دهند.

البته باید دانست گروه سومی هم هستند که نظریاتی متفاوت با این دو گروه دارند. آنان کسانی هستند که معتقدند آقای خاتمی، خود بخشی از حاکمیت است و لذا داشتن انتظاراتی از این قبیل که در مسائل ریشه‌ای و بنیادی مواضع سخت و انعطاف ناپذیر بگیرد، از همان اول اشتباه بوده است. طرز تلقی این افراد از نقش آقای خاتمی و دولت اصلاحات نیز متنوع است. گروهی با افراط‌گرایی مطلق که از بینش سیاسی آنان ناشی می‌شود چنین استدلال می‌کنند که خاتمی خود می‌دانست جناح‌های سیاسی (حتی بنیادگرایان) وی را سوپاپ اطمینانی می‌دانند که مطالبات عمومی را تحت کنترل در می‌آورد و لذا در ابتدا با او، برنامه‌ها و شعارهایش مدارا می‌کردند. گروهی دیگر که از منظر تمایلات سیاسی به داوری نمی‌نشینند، عامل ناکامی دولت آقای خاتمی را عدم موضع‌گیری قاطعانه رییس جمهور، هم در برابر مخالفان اصلاحات و هم در برابر گروهی از طرفداران تندرو و رادیکال خود، می‌دانند و استدلال می‌کنند که اگر آقای خاتمی از همان ابتدا در برابر افراط و تفریط‌ها قاطعانه موضع‌گیری و اقدام می‌کرد، زمینه برای اجرای اصلاحات واقعی مساعد می‌شد.

۳- داوری‌های علمی و بی‌طرفانه، مستند و متکی بر اظهار نظرهای استدلالی است. این گروه از داوران که از زاویه منافع ملی و با استدلال‌های منطقی و مستدل کارنامه دولت آقای خاتمی را بررسی می‌کنند، بسته به نوع تخصص خود، تقدیم‌ایشان را ارائه می‌دهند. مثلاً اقتصاددانان می‌گویند آقای خاتمی با کوتاهی غیرقابل توجیهی

برای آقای خاتمی در جامعه ساخته و پرداخته شود. تردید نیست آقای خاتمی شخصاً دارای نگرشی فرهنگی و فلسفی است و لذا اگر می دانست این شیوه تبلیغاتی، نوعی اسطوره سازی است و وی را به صورت مظهری در می آورد که به باور عامه، قادر به انجام هر کاری است، ای بسا با پس می کشید و یا دست کم از حامیان خود می خواست در برنامه های تبلیغاتی خود برای او، تعدیل ایجاد کنند.

آن برنامه تبلیغاتی برای خاتمی تعبدات و برای مردم توقعاتی ایجاد می کرد که هر فرد آگاه و واقع بینی می دانست نه خاتمی و طرفداران واقعی وی ظرفیت پذیرش این تعبدات و انجام آن توقعات را دارند و نه ساختار قدرت در کشور چنان است که بتوان در یک دوره کوتاه چهارساله و با وجود موانع و مشکلات آشکار و پنهانی که وجود دارد، چنان اصلاحاتی را که دست کم به یک دهه زمان و یک دنیا درایت، حسن نیت و واقع نگری رقیبان نیاز دارد، به اجرا گذاشت.

این ها واقعیاتی ملموس بودند که با کمی واقع نگری، می شد به ماهیتشان پی برد، اما مگر در آن شرایط هیچانی کسی فرصت و یا تمایل اندیشه کردن و ارزیابی واقع بینانه رفتارها را داشت؟

در آن فضای هیجان زده، بولدوزر تبلیغاتی گروه های ائتلافی حامی آقای خاتمی که بعداً به جبهه دوم خرداد موسوم شدند، از یک سو، و برخی اشتباهات تاکتیکی جناح راست از سوی دیگر، موجب شد در میان حیرت همگانی (چه در داخل و چه در خارج) آقای خاتمی با فراز از ۲۰ میلیون رأی به ریاست جمهوری برگزیده شود. اما آیا این ۲۰ میلیون رأی می توانست به آقای خاتمی چنان قدرتی اعطا کند که بتواند یک دولت فراجناهی و براساس شایسته سالاری تشکیل دهد؟

عده ای با خوش خیالی چنین امری را متحمل می دانستند و به سخنان خود آقای خاتمی هم استناد می کردند. اما همان زمان، گزارش نوشت: آقای خاتمی بارها و با صلابت اعلام کرده است در صورت انتخاب شدن، فراجناهی عمل خواهد کرد و وام دار هیچ گروهی نخواهد شد. اما در دنیای سیاست خیلی پیش از سایر عرصه ها، خواستن امری است و توانستن امری دیگر. پس اگر ایشان ناکزیر در مواردی انعطاف نشان دهد، نباید آن را عدول از مواضع اعلام شده تعبیر کرد. ولی البته این انعطاف تا

جایی طبیعی و منطقی است که ترکیب کابینه به شکلی در نیاید که امید انجام هرگونه اصلاحاتی را ضعیف یا کاملاً منتفی کند. میزان موفقیت آقای خاتمی در تشکیل یک کابینه نسبتاً مطلوب منوط به برخورد نیروهای صاحب نفوذ و جناح های سیاسی با ایشان، در مقوله ترکیب هیأت وزیران است (۲)...

پس از دوازدهم مرداد همان سال که حکم ریاست جمهوری آقای خاتمی تنفیذ شد، بزودی کارشناسان سیاسی دریافتند دولت آقای خاتمی نه تنها یک دولت ائتلافی است، بلکه رییس جمهور ناکزیر از پذیرش همکاری با برخی از وزراء و معاونان رییس جمهور هم شده است. به طور مشخص معاون اجرایی رییس جمهور آقای محمد هاشمی) و معاون اول ایشان (آقای حبیبی) در



... و خاتمی در نیمه دوران ریاست جمهوری، اندیشناک از بهران ها و موانعی که با آنها مواجه شده است.

سمت های خود ابقا شدند. پست های کلیدی اقتصادی نیز همچنان در دست کارگزاران سازندگی و یا وابستگان به ایشان باقی ماند. در واقع همان زمان مشخص بود که دولت آقای خاتمی در زمینه اقتصاد، قدرت مانور چندانی نخواهد داشت.

در زمینه مسائل فرهنگی و سیاسی نیز علی رغم روحیه و منشی ملایم آقای خاتمی که معتقد به اصلاحات مرحله به مرحله است، برخی گروه های حامی ایشان به پشتوانه همان آرای ۲۰ میلیونی، اقدامات حدی را آغاز کردند که گاه تا حد افراط پیش می رفت.

تردید نیست که جناح راست، حتی در مطلوب ترین شرایط نیز به رقابت و یا حتی مانع تراشی برای دولت آقای خاتمی بپردازد. اما برخی تندروی ها و یا اقدامات زود هنگام برخی افراد و گروه های حامی آقای خاتمی سبب شد که جناح راست خود را با خطری جدی مواجه ببیند. جناح مزبور این خطر را هنگامی جدی تر احساس کرد که طرفدارانش که در مجلس پنجم اکثریت داشتند، در مجلس ششم به اقلیت تبدیل شدند. انتصابات در پست های اجرایی که سبب شد بسیاری از وابستگان جناح راست مشاغل خود را از دست بدهند، این جناح را به سوی اتخاذ شیوه های حذفی در مورد دولت آقای خاتمی و برخی حامیان ایشان، سوق داد. نمونه های بارز این شیوه حذفی، ماجراهای برکناری (و سپس به زندان افتادن) آقای عبدالله نوری و کنار رفتن آقای عطاءالله مباحرانی بود. در مرحله بعد رده های پایین تر هدف قرار گرفتند و از صحنه خارج شدند، به نحوی که اکنون، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری جدید، جای بسیاری از طرفداران آقای خاتمی خالی است. به عنوان مثال نه روزنامه سلامی منتشر می شود و نه حجت الاسلام خوبینی ها چون خرداد ۷۶ و پیش از آن فعالیت علنی و اثرگذار دارد. غلامحسین کرباسچی که یکی از موتورهای محرکه انتخابات خرداد ۷۶ بود، در حاشیه قرار دارد، نجاریان هنوز توانایی خود را باز نیافته، گنجی، باقی، شمس الواعظین و ... در زندان هستند.

باید توجه داشت، در فردای برگزاری انتخابات مجلس ششم، جناح راست همان موقعیت را پیدا کرد که مخالفانش پیش از دوم خرداد ۷۶ داشتند. بدین ترتیب که در آن زمان آنان در قوای مقننه و قضاییه (دو قوه از سه قوه) صاحب نفوذ و اعتباری در حد بالا بودند، اما پس از انتخابات مجلس ششم دو قوه (مجریه و مقننه) در اختیار مخالفان و رقبا بود و بزرگان جناح راست فقط به یک قوه (قضاییه) امید بسته بودند.

البته جناح راست نقطه اتکای دیگری هم داشته و دارد. این نقطه اتکا گروهی از روحانیون صاحب نفوذ هستند که در مورد سنت های دینی، حکومت اسلامی، شیوه اداره کشور، مسایل فرهنگی و ... دیدگاه هایی متفاوت با اصلاح طلبان دارند و مخالفت ایشان با برنامه های گروه های دوم خردادی (مخصوصاً در مقولات فرهنگی) به سود اهداف جناح راست تمام شده است و می شود.

نکته ظریفی در این میان وجود دارد که توجه

گرفت با تدوین طرحی موسوم به «ساماندهی اقتصاد» به این عرصه گام نهد، اما اشکالات متعدد - و ای بسا کارشکنی‌ها - موجب شد که طرح مزبور نخست مسخ شود و سپس از بایگانی تاریخ سردرآورد!

سرنوشت همین طرح ساماندهی اقتصادی الگوی مناسبی است برای کسانی که قصد دارند میزان اقتدار دولت خاتمی را در عرصه‌های اجرایی، به ترازوی نقد بگذارند.

به هر حال، دولت آقای خاتمی در حالی مجبور به سازش با یک اقتصاد آشفته بود که هر سال حدود ۸۰۰ هزار جویای شغل وارد بازار کار می‌شوند، این انبوه کارجویان که به حق متوقع داشتن شغلی به‌درآمد بخور و تمیر هستند بر خیل بیکاران قبلی افزوده می‌شوند و در مجموع بحرانی خاموش، اما خطرناک را پیش روی کشور قرار می‌دهند. در این زمینه هم پرسش اساسی این است که آیا آقای خاتمی نخواست یا نتوانست و یا نگذاشتند که در زمینه ساماندهی اقتصاد اقدام کند؟ این طبیعی است که صاحبان منافع و دارندگان شاه کلیدهای اقتصاد نخواهند و نگذارند که آقای خاتمی یا هر شخص دیگری، با برهم زدن ساختار اقتصادی کنونی، منافع ایشان را به خطر اندازد. اما این موضوع شگفت‌انگیز است که بارها از زبان و قلم برخی از مدعیان حمایت از خاتمی شنیدیم و خواندیم که توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است.

چنین نظریه‌ای، حتی اگر از سر ایمان و اعتقاد هم ابراز شده باشد، در راستای منافع صاحبان ثروت‌های بادآورده است. چه کسی است که عقل سلیم داشته باشد و باور بنارد انسان گرسنه و بی‌سربناه و ناامید نسبت به آینده، تا ابد به شعارهایی نظیر «جامعه مدنی و قانونمداری دل خوش کند؟» به این زینهار که ۲ سال پیش داده شده است، توجه کنیم:

... شعارها و وعده‌ها هم تاریخ مصرف دارند، وقتی این تاریخ به نقطه انقضاء رسید با حسن نیت‌ترین افراد نیز با تردید در مورد صداقت وعده دهندگان مواجه می‌شوند و نتایج چنین تردیدی قابل حدس زدن نیست. ساده‌ترین جاصل این تردید می‌تواند بی‌تفاوتی عمومی باشد و وای بر کشوری چون ایران که اکثریت آن خاموش باشند! (۲)

اینک یکی از گسترده‌ترین جنبه‌ها برای انتقاد از عملکرد دولت آقای خاتمی، مسایل اقتصادی

دهد. ما می‌دانیم کند رشد کردن نرخ‌ها، اکنون معلول بگیر و ببندها است، نه محصول یک ساز و کار سالم اقتصادی. ممکن است روزی برسد که این بگیر و ببندها تأثیرگذاری نداشته باشد، که در آن صورت دولت و جامعه، هر دو خود را در برابر یک وضع بحرانی، با پیامدهای حدس نازدنی مواجه خواهند دید. شیوه کنونی کنترل نرخ ارز را در نظر بگیریم. نرخ ارز در نظام صادراتی (که در واقع نرخ رسمی محسوب می‌شود) هر دلار معادل ۳۰۱۵ ریال است. اما نیازمندان ارز، که عده‌شان هم کم نیست، به ارز با این قیمت دسترسی ندارند و ناگزیر آن را از بازار آزاد - که برخی دوست دارند

به آن می‌تواند راهنمای افرادی که قصد دآوری در مورد عملکرد دولت آقای خاتمی را دارند، قرار گیرد. نکته این است که گروه‌های دوم خردادی، با وجود اختلاف در مثنی و عمل، شخص خاتمی را به عنوان الگوی اعمال خود معرفی کرده‌اند، در حالی که ای بسا، رییس جمهور، در مقاطعی، با تند روی‌ها و کندروی‌های آنان موافقتی نداشته است. اما به هر حال سود و زیان‌ها، هر دو به حساب دولت آقای خاتمی گذاشته شده است. بدین لحاظ امروز اگر - مثلاً - امور خلاف اخلاق و شرع گسترش یافته، یا عده معتادان بیشتر شده، یا مجالس لهو و لعب و تکثیر نوارهای ویدیویی مبتذل فزونی یافته، به حساب برنامه‌های اصلاحی آقای خاتمی گذاشته می‌شود! دیگر کمتر کسی است که به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی این بی‌هنجاری‌ها و بی‌اخلاقی‌ها توجه کند.

### در عرصه اقتصاد

دارنده هر عقل سلیم و هر انسان واقع‌بینی می‌داند ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی در مسائل اقتصادی است. کشوری که ۸ سال جنگ را پس از آشفتگی دوران پس از انقلاب تحمل کرد، بلافاصله به اقتصاد بازار یا اقتصاد لیبرالی رو آورد. نتایج برنامه آزادسازی اقتصاد، که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد، بر کسی پوشیده نیست. این آزادسازی منجر به ظهور طبقه نوکیسه‌ای در کشور شد که یکی از کم نظیرترین موارد اقتصاد در سایه جهان را در کشور ما ایجاد کردند و اکنون نیز زمام بسیاری از امور اقتصادی را در دست دارند (۳).

در آستانه آغاز به کار دولت آقای خاتمی، خبرگان و کارشناسان به ایشان توصیه کردند به موازات اجرای برنامه اصلاحات سیاسی و فرهنگی خود، اصلاح ساختار اقتصادی کشور را نیز به نحوی جدی و بی‌گیر، به مرحله اجرا بگذارد. از جمله، همین مجله در شماره ۷۸ خود (مرداد ۱۳۷۶) در مطلبی تحت عنوان «دولت جدید و گنم پرخطر اقتصاد» نوشت: «دولت آینده باید بدانند ریشه خیلی از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در مسایل اقتصادی نهفته است. روند اجرای برنامه‌های اقتصادی به صورتی که اکنون جریان دارد، هر کوششی را برای از بین بردن ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی بی‌اثر می‌کند. یک دوره غفلت ۶ ماهه ممکن است دولت جدید را در مقابل یک تورم لجام گسیخته قرار



آن را بازار سیاه بنامند! - به قیمتی حدود ۴۸۰۰۰ ریال تهیه می‌کنند...» البته - و خوشبختانه - مردم ایران با تورم لجام گسیخته مواجه نشدند که یک علت عمده آن بالا رفتن نرخ فروش نفت و افزایش درآمدهای ارزی دولت بود. با این وجود، اکنون نرخ رسمی ارز از ۳۰۱۵ ریال در مقابل هر دلار، به ۸۰۰۰ ریال در مقابل هر دلار رسیده است! دولت آقای خاتمی، مجال و اجازه نیافت در زمینه اصلاح ساختار اقتصاد کشور اقدامی جدی انجام دهد. گرچه در برهه‌ای از زمان دولت تصمیم

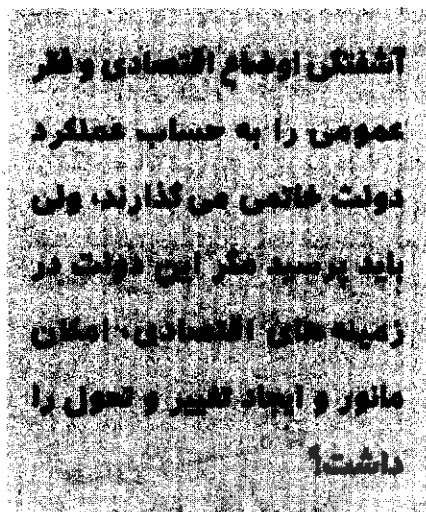
است. آیا در حالی که بخشی از این اقتصاد را کارگزاران اداره می کنند، بخش دیگری را سرمایه داری سنتی و بخش سوم را مافیاهای گوناگون، دولتی که با چالش های سیاسی و اجتماعی متعددی (از ماجرای قتل های زنجیره ای و کوی دانشگاه گرفته تا تعطیل روزنامه ها و بازداشت های اخیر) مواجه بوده، می توانسته در عرصه اقتصاد خودی نشان دهد؟

داوری در مورد عملکرد دولت آقای خاتمی و مخصوصاً شخص وی کار آسانی نیست. باید مجموعه عواملی که به دوم خرداد انجامید و نیز ریشه ماجراهایی که طی این چهارساله کشور را در بحران های متعدد فرو برد، شناسایی شود تا بتوان به داوری نشست.

هرکس می تواند از ظن خود بگوید خاتمی کوتاه آمد، خاتمی نخواست، خاتمی خود جزیی از بازی بود یا نگذاشتند خاتمی کار کند.

خاتمی معصوم و مبرا از اشتباه نیست. اما همانگونه که اشتباه بود که به ملاحظات سیاسی از وی قبل و بعد از دوم خرداد انسانی اسطوره ای ساخته شود، اکنون نیز اشتباه است که همه موفقیت ها، یا شکست ها، یا ناهنجاری ها و یا

بی ترتیبی ها را به حساب وی بگذاریم. اگر از همان ابتدا به این نکته توجه می شد که سید محمد خاتمی یک روحانی معتقد به مبانی اسلام و پیرو خط مشی ترسیم شده از سوی امام خمینی



(ره) برای جمهوری اسلامی ایران است و با موانع و تنگنای ویژه موقعیت خود مواجه است، از او اسطوره نمی ساختم تا حالا به داوری های

شکست زده - در مواردی توأم با غرض ورزی، به نقد کارنامه چهارساله اش بنشینیم.

\*\*\*

**توضیحات**

۱- برای آگاهی از آن شرایط و این ائتلاف رجوع کنید به مجله گزارش - (شماره ۷۷ تیرماه ۱۳۷۶) صفحات ۱۱ تا ۱۶.

۲- همان منبع

۳- به عنوان شاهد مثال به این اخبار توجه کنید:

الف) شمنار شرکت های دولتی، بانک ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در سال گذشته (۱۳۷۹) بیش از دو برابر سال ۱۳۶۸ بود (سخنگوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی).

ب) شرکت های دولتی به مراتب تخلفات بیشتری نسبت به دستگاه ها دارند... عدم انضباط مالی و اقتصادی و عدم نظارت و کنترل دستگاه های دولتی بر شرکت ها، باعث شد بسیاری از ممنوعیت های قانونی برای انضباط اقتصادی توسط شرکت ها نقض شود (حجت الاسلام رفیعی، رئیس سازمان بلژیکی کل کشور، ۸۰/۷۲۸) ج- ۵۰ درصد بودجه در اختیار نهادهایی قرار می گیرد که پاسخگو نیستند و نظارتی بر آنها اعمال نمی شود (ارجبعلی مزروعی - مطبوعات ۲۲/۱۳۷۹)

**راهنمای اشتراک ماهنامه**



یک سال، ماهنامه گزارش را دریافت کنید  
لطفاً نکات ذیل را در نظر داشته باشید:

۱. فرم اشتراک را کامل و خوانا تکمیل کرده و کدپستی را حتماً قید فرمایید و همراه با برگ واریز وجه به نشانی دفتر مجله پست یا با نمابر ۸۸۳۲۳۶۱ ارسال نمایید.
۲. حق اشتراک را به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات، شعبه نبش گلزار، کد ۷۹۰ تهران (قابل واریز در همه شعب بانک صادرات) به نام مجله گزارش واریز کرده و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی تهران، صندوق پستی ۵۲۶۷ - ۱۴۱۵۵ ارسال فرمایید.
۳. کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره اشتراک نزد خود نگاه دارید.
۴. از فرستادن وجه نقد بابت اشتراک خودداری کنید.
۵. حق اشتراک یکساله برای مؤسسات دولتی ۶۰۰۰ تومان و برای بخش خصوصی ۵۰۰۰ تومان است.
۶. در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر ماهنامه گزارش را در جریان قرار دهید.

**برگ اشتراک ماهنامه گزارش**

نام:

نام خانوادگی:

نام شرکت یا مؤسسه:

شغل:

تحصیلات:

نوع فعالیت:

درخواست اشتراک از شماره:

و تعداد موردنیاز از هر شماره:  نسخه

نشانی:

کدپستی:  تلفن:

صندوق پستی: